

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۶۱۶

جمعه ۱۹ تیر ۱۳۹۴، ۱۰ جولای ۲۰۱۵

یادداشت‌های هفته

عمید تقوایی

گشایش اقتصادی در ایران در گرو چیست؟

"خطر" الگوی یونان بر فراز سر اروپای واحد!

تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی نباید لغو شود!

دور تازه مبارزه برای آزادی فعالین جنبشهای اعتراضی!

صفحه ۵

معلمان در تدارک

تجمع اعتراضی بزرگ خود

شهلا دانشفر

صفحه ۲

فراخوان پرستاران به تجمع اعتراضی

در مقابل وزارت بهداشت

شهلا دانشفر

صفحه ۲

کارزار برای آزادی اسماعیل عبدی دبیر کانون

صنعی معلمان در جریان است

پتیشن در حمایت از اسماعیل عبدی را امضا کنیم

صفحه ۱۰



یک رسوایی دیگر برای جمهوری اسلامی این بار در کابل
بهم خوردن مضحکه روز قدس در کابل

سیامک بهاری

صفحه ۸

رژیم اسلامی بر سر دو راهی!

علی جوادی

صفحه ۶

بحران یونان و جایگاه رفراندوم

مصاحبه با حمید تقوایی

صفحه ۳

چرا آموزش و پرورش در ایران رایگان نیست؟!

سیامک بهاری

صفحه ۷

به یاد نادر بکتاش

علی جوادی

صفحه ۴

به احکام حبس آتناها اعتراض کنیم،
نگذاریم صدای نسل جوان ایران سرکوب شود!

شیرین شمس

صفحه ۹

از ما میپرسند:



شما خواهان انحلال ارتش هستید. در دنیای پر آشوب کنونی آیا این به
معنای بی دفاع گذاشتن مردم در مقابل تهاجمات خارجی چه از طرف
سایر کشورها و یا از طرف نیروهایی نظیر داعش نیست؟

مصطفی صابر پاسخ می دهد:

صفحه ۹

معلمان در تدارک تجمع بزرگ اعتراضی خود

شهلا دانشفر

معلمان برای روز ۳۱ تیر فراخوان به تجمع در مقابل مجلس اسلامی داده‌اند. روز ۶ تیر اسماعیل عبیدی دبیر قانون صنفی معلمان که به دادستانی اوین احضار شده بود، دستگیر گردید. با بازداشت وی معملانی که از تهران و شهرستانهای وی را همراهی کرده بودند، در مقابل اوین تجمعی اعتراضی برپا کردند و با شعار ما همه عبیدی هستیم، خواستار آزادیش شدند. بعد از آن نیز اعلام داشتند که اگر بازداشت عبیدی ادامه یابد با جمعی بزرگتر آنجا خواهند بود. اکنون معلمان با فراخوان به تجمع در روز ۳۱ تیر در مقابل مجلس در اعتراض به ادامه بازداشت عبیدی و با خواست آزادی وی و همه معلمان زندانی با جمع بزرگترشان، پیگیر خواسته‌هایشان هستند.

به این ترتیب اعتراضات معلمان وارد فاز جدیدی شده است. آنها همچنان قدرتمند ایستاده و حق و حقوقشان را طلب میکنند. اعتراضات معلمان تا همین جا درسهای آموزنده‌ای برای کارگران و کل جامعه دارد.

بدنبال اعتراضات رو به رشد معلمان در چند ماه اخیر است که حکومت اسلامی همانند همیشه میکوشد که با توسل به تهدید و سرکوب مبارزات آنان را عقب بزند. و معلمان قاطعانه ایستاده‌اند و اجازه

نمیدهند که این اتفاق باز هم تکرار شود. عکس العمل به موقع آنان در قبال احضار اسماعیل عبیدی و همراهی وی در هنگامیکه به دادسرای اوین مراجعه میکرد اقدامی بسیار هوشیارانه و تاکتیکی است که باید در همه موارد احضارها و دستگیری فعالین و رهبران کارگری و اعتراضات مردم، از سوی کارگران و مردم بکار گرفته شود. معلمان با این کار و اولتیماتومشان به اینکه با جمع بزرگتری در مقابل اوین خواهند بود در واقع اعلام داشتند که اجازه نمیدهند که با دستگیری و فشار بر روی معلمان معترض، اعتراضات آنان عقب زده شود و بر خواسته‌هایشان مصر هستند. معلمان با اعتراضات خود و با شعار ما همه عبیدی هستیم، صف متحد خود را به نمایش گذاشته‌اند.

اعتراضات معلمان در حمایت از اسماعیل عبیدی و عکس العمل اعتراضی متحدانه شان، درسهای آموزنده‌ای برای همه کارگران و کل جامعه دارد. باید آنرا آموخت.

جدا از خواست آزادی فوری اسماعیل عبیدی و دیگر معلمان زندانی، بخاطر خواستهایی دست به اعتراض زده‌اند. خواست اصلی آنان افزایش فوری حقوقهاست. معلمان این خواست را با شعار خط فقر سه میلیون، حقوق ما یک میلیون اعلام داشتند و یک بند مهم قطعنامه شان افزایش حقوقها به رقمی بالای خط

فقر بود و این خواست کارگران، پرستاران و کل حقوق بگیران جامعه است. به این اعتبار معلمان با اعتراضات گسترده تا کنونی شان جنبش برای خواست افزایش دستمزدها را گام مهمی به جلو برده‌اند. یک خواست مهم قابل توجه دیگر معلمان خواست تحصیل رایگان است. و این مستقیماً به کل جامعه بر میگردد. از اینرو حمایت و پشتیبانی از مبارزات معلمان امر مهم کل جامعه است. همچنین یک شعار معلمان در اعتراضاتشان این بود که آموزش را کالایی نکنید و به طبقاتی کردن آموزش و پرورش و تقسیم آن به خصوصی و دولتی اعتراض دارند و خواستار شرایط آموزشی یکسان برای کل جامعه هستند. خصوصاً اکنون که فصل تابستان است و یک معضل مردم ثبت نام فرزندانشان برای مدرسه و پرداخت شهریه است. مهم است که خانواده‌های دانش آموزان در کنار معلمان بایستند و با شعار جای فرزندان ما در مدرسه است، بر روی تحصیل رایگان پای بشارند.

بند دیگر قطعنامه معلمان بازسازی مدارس تخریبی و محیطی امن و انسانی برای تحصیل است. بعلاوه معلمان خواستار استخدام رسمی معلمان پیمانی، ایجاد تسهیلات برای تهیه مسکن و دیگر مطالباتشان هستند. از خواسته‌ها و مبارزات معلمان وسیعاً حمایت کنیم. فراخوان معلمان برای تجمع روز ۳۱ تیر مقابل مجلس را خبرسانی کنیم و در جمع اعتراضی آنان وسیعاً شرکت کنیم. خانواده‌های دانش آموزان نقش مهمی در تقویت مبارزات معلمان دارد و انتظار است که یک نیروی مهم اجتماعات اعتراضی معلمان باشند. به تجمع اعتراضی معلمان در روز ۳۱ تیر پیوندیم و خواستار آزادی اسماعیل عبیدی و همه معلمان زندانی و زندانیان سیاسی باشیم و حمایت خود را از خواسته‌هایشان اعلام نماییم.

فراخوان پرستاران به تجمع اعتراضی در مقابل وزارت بهداشت

شهلا دانشفر

این جنبش و فراخوانهای اعتراضی اش آنرا وسیعاً حمایت کنیم.

علاوه بر خواست لغو فوری طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد و خواست افزایش دستمزدها، پرستاران خواهان کاهش فشار کاری و بالا بردن استاندارد بهداشتی و درمانی بیمارستانها هستند. استخدام تعداد مورد نیاز پرستار و استخدام پرستاران پیمانی و اجرای طرح تعرفه پزشکی به عنوان طرحی که مبلغی به حقوقهای آنان اضافه میکند، از جمله خواسته‌های پرستاران است. نکته مهم در اعتراضات پرستاران، بیان صریح همین خواسته‌ها و تاکید بر آنهاست. همانطور که معلمان با پرچم خط فقر سه میلیون حقوق ما یک میلیون، بر خواست افزایش دستمزدها صراحت بخشیدند، پرستاران نیز باید خواست خود را روشنتر و مشخص تر اعلام کنند. این یک قدم مهم در پیشروی مبارزات پرستاران است.

از خواسته‌های پرستاران که مستقیماً به استاندارد درمان و بهداشت در جامعه مربوط است، حمایت کنیم و با طرح خواست درمان رایگان برای همه آنرا گامی به جلو ببریم. خبر تجمع ۶ مرداد را وسیعاً رسانه‌ای کنیم و به این حرکت پیوندیم.

بدنبال اعتراضاتی فشرده در دو هفته اخیر پرستاران به برپایی تجمعی اعتراضی در روز ۶ مرداد در مقابل وزارت بهداشت و درمان داده‌اند. یک موضوع فوری اعتراض پرستاران اجرایی شدن طرح پرداخت مبتنی بر عملکرد است. طرحی که نتیجه اش استثمار بیشتر پرستاران، تفرقه در صفوف آنان و پایین آمدن استاندارد درمانی در بیمارستانهاست و پرستاران به اجرای آن اعتراض داشته و خواستار لغو فوری آنند.

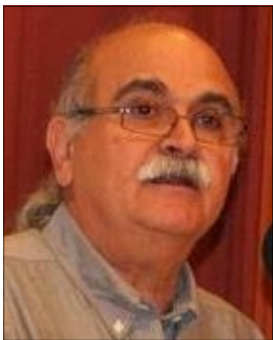
در این رابطه پرستاران طی دو هفته اخیر در بیمارستانهای کامکار، نکویی و شهید بهشتی در قم، رازی، امام حسین، شهدا، الزهرا، شهید مدنی، راضی و طالقانی در تبریز، الزهرا در اصفهان، سینا، شریعتی، درقم، پرستاران در همدان، امام رضای آمل، مدرس، شهدای تجریش، رسول اکرم، امام خمینی و بهارلو در تهران، رازی اهواز و ... اعتراض داشته‌اند.

خواست پرستاران بطور واقعی خواست افزایش فوری حقوقها است. اعتراضات پرستاران در کنار معلمان، بازنشستگان بر سر خواست افزایش دستمزدها حکایت از جنبشی اجتماعی بر سر زندگی و معیشت در جامعه است که هر روز قویتر به جلو می‌آید. با پیوستن به



بحران یونان و جایگاه رفراوندوم

مصاحبه با حمید تقوایی



افزایش بارآوری و سود سرمایه ها و مقرون به صرفه کردن سرمایه گذاری در یونان.

باز پرداخت این وامها نیز به جیب کارگران و نود و نه درصدیهای اروپائی نخواهد رفت، بلکه به سرمایه بانکها و اقلام ثروت نجومی یک درصدیهای حاکم در اروپا افزوده خواهد شد. مساله و کشمکش جاری بر سر بدهی های دولت یونان در واقع کشمکشی برسر تحمیل شرایط حل بحران یونان از جیب کارگران و توده مردمی است که جز نیروی کار خود کالای دیگری برای فروش ندارند. در اولین سالهای بعد از بحران ۲۰۰۸ دولتهای اروپایی از محل مالیاتها و حتی حسابهای پس انداز بازنشستگی کارمندان و کارگران میلیاردها یورو به شرکتهای در حال ورشکستگی وام بلاعوض دادند. آنجا هیچ حرفی از منافع مالیات دهندگان و توده مردمی که حسابهای پس انداز و حق بازنشستگی شان را بالا کشیدند در میان نبود. در مورد یونان هم مساله بر سر بازپرداخت بدهی ها نیست بلکه اصرار وام دهندگان بر سر بازپرداخت بدهی ها از جیب کارگران و توده مردم یونان است. مساله بر سر همان شرایط ریاضت کشی و زدن از خدمات و حقوقها و حق بازنشستگی ها و افزایش مالیاتهای غیر مستقیم و غیره است. از نظر وام دهندگان نه تنها قرار نیست و نباید حتی کمترین بخشی از این وامها صرف رفاه عمومی بشود بلکه برعکس باید با تشدید فشارهای اقتصادی بر گروه مردم و سفت کردن هرچه بیشتر کمربندها بازپرداخت وامها را تامین کرد. این جوهر بحران بدهی های یونان است. در دوسوی این کشمکش دولت و مردم یونان در مقابل دولت و مردم

بی گمان دولت سیریزا از این امر برای تقویت موقعیتش در مذاکرات و در خود جامعه یونان استفاده خواهد کرد. اما برای بررسی نتایج رفراوندوم باید از این سطح فرمال و حقوقی و دیپلماتیک فراتر رفت. رفراوندوم یونان را باید بر متن شرایط اجتماعی- سیاسی این کشور و بخصوص اعتراضات توده مردم به سیاستهای ریاضت کشی در چند سال اخیر قرار داد تا به معنی واقعی سیاسی- اجتماعی آن پی برد.

این در واقع رفراوندومی برسر رد یا قبول سیاست ریاضت کشی اقتصادی بود. میتوان گفت که جنبشی که سالهاست علیه ریاضت کشی در یونان جریان دارد و یک نقطه عطف آن انتخاب سیریزا بود، با رفراوندوم در یک اقدام حقوقی قانونی که حتی محافظه کارترین و راست ترین احزاب و دولتهای بورژوازی نمیتوانند انکار کنند، در برابر نسخه های ریاضتی بزرگترین دولتها و بانکهای سرمایه داری جهانی ایستاد و رسماً و علناً به آن "نه" گفت. این یک پیشروی دیگر برای جنبش ضد ریاضت کشی نه تنها در یونان بلکه در اروپا و در کل جهانست.

انترناسیونال: گفته میشود در صورت امتناع یونان از بازپرداخت و یا هر میزان از دادن تخفیف و یا ابطال وامها، این مالیات دهندگان سایر کشورهای اروپائی هستند که باید خسارت آنرا بدهند. بنظر شما آیا این عادلانه است؟

حمید تقوایی: مردم یونان به کسی بدهکار نیستند. وام دهندگان نیز مردم اروپای واحد نیستند. دولتها و موسسات مالی سرمایه داری به هم طبعی ای های خود در یک کشور برای حل بحرانی که خود بوجود آورده اند وام داده اند. و خواستار بازپرداخت آن هستند. فشار به دولت یونان برای بازپرداخت وامها صرفاً اهرمی است برای اعمال فشار اقتصادی بیشتر به کارگران و توده مردم یونان برای

تا آنجا که به دولت سیریزا مربوط میشود نتیجه این رای تقویت موقعیت او در مذاکرات با اروپای واحد است. من قبلاً هم در یادداشتی به این اشاره کردم که دولت سیریزا از رای منفی مردم بعنوان کارت برنده ای در مذاکرات و چانه زنی های استفاده خواهد کرد اما مستقل از تعلق و نحوه استفاده دولت یونان از این مساله به نظر من نفس رجوع به رای مردم در قبایل بسته جدید سیاستهای ریاضت کشی ترویکا یک اقدام درست و مثبت بود که نتایج آن از مانورهای دیپلماتیک دولت سیریزا و میز مذاکرات فراتر خواهد رفت. از نظر ما کمونیستها هر نوع دخالت دادن مستقیم مردم یونان در کشاکشی که بر سر سیاستهای ریاضت کشی اقتصادی در جریان است یک اقدام مثبت و یک پیش شرط حل بحران موجود از زاویه منافع کارگران و توده مردم است و رفراوندوم اخیر - مستقل از هر هدف و نیت فراخوان دهندگان - یکی از این نوع اقدامات بود.

انترناسیونال: اکنون که مردم به پاکت تازه سیاستهای ریاضت کشی رای منفی داده اند وضعیت چه تغییری خواهد کرد؟ بطور واقعی این رای چه تاثیری بر شرایط سیاسی و اقتصادی در یونان خواهد داشت؟

حمید تقوایی: به نظر من رای منفی مردم فضای جامعه را در یونان و در کل اروپای واحد یک گام دیگر به چپ می چرخاند.

از نظر حقوقی و رسمی رفراوندوم بر سر شرایط جدید ترویکا برای بازپرداخت وامها و اعطای وامهای جدید به دولت یونان بود. در این چارچوب رای منفی مردم به معنی رد این شرایط است. از نظر سیاسی- دیپلماتیک نیز نتیجه این رفراوندوم را میتوان با توجه به اینکه سپراس اعلام کرده بود در صورت رای مثبت استعفا خواهد داد نوعی تایید مجدد دولت سیریزا تعبیر نمود. و

شده است. در یونان مدتهاست زندگی واقعی به این ادعا که گویا سیاستهای ترویکا موجب شکوفائی و پیشرفت اقتصادی میشود پاسخ داده است.

انترناسیونال: هدف سیریزا از اعلام رفراوندوم چه بود؟ کلاً ارزیابی و نظر شما در مورد رفراوندوم چیست؟

حمید تقوایی: هدف دولت یونان ادامه مذاکرات بر سر بدهی ها از یک موضع قدرتمند تر بود. سیریزا در شش ماه گذشته مشغول بحث و چانه زنی بر سر شرایط باز پرداخت وامها و پیش شرطهای دریافت وامهای جدید با دولتهای اروپای واحد و صندوق بین لملی پول و بانک مرکزی اروپا بوده است. وقتی موعد بازپرداخت یک قسط ۱.۶ میلیاردی وامها فرار رسید و ترویکا شروط جدید برای تمدید کمکهای مالی مبتنی بر تشدید ریاضت کشی اقتصادی را مطرح کرد سیریزا اعلام کرد این شرایط را نمی پذیرد و به رای مستقیم مردم رجوع میکند. سپراس نخست وزیر یونان همچنین اعلام کرد که اگر رای مردم مثبت باشد به آن احترام خواهد گذاشت اما نمیتواند مجری سیاستهای ترویکا باشد و در واقع در صورت رای مثبت مردم به این سیاستها دولتش استعفا خواهد داد. از سوی دیگر ترویکا تبلیغ میکرد که رای منفی به معنی خارج شدن یونان از اروپای واحد است چون میدانست مردم یونان خواهان باقی ماندن در اروپای واحد هستند و به این ترتیب میخواست مردم را از رای منفی بترساند. این البته در مردم شدن بخشی از جامعه و بالا رفتن تعداد موافقین و ممتنعین (کسانی که در رفراوندوم شرکت نکردند و یا به هر دو گزینه رای منفی دادند) بی تاثیر نبود ولی علیرغم این مردم در مقیاس نسبتاً بالائی (به نسبت نظر پرسی ها و انتخابات متداول در کشورهای غربی) رای منفی دادند.

انترناسیونال: روز یکشنبه گذشته دولت یونان پاکت پیشنهادی اتحادیه اروپا برای تشدید سیاست ریاضت کشی در آن کشور را به رفراوندوم گذاشت که اکثریت شرکت کنندگان در این رفراوندوم به آن "نه" گفتند. مذاکرات و کشاکش بین دولت یونان و رهبران اتحادیه اروپا هنوز ادامه دارد و نتایج این "نه" هنوز معلوم نیست، اما در تبلیغاتی که قبل از رفراوندوم از طرف رهبران قدرتمند اتحادیه اروپا به راه افتاده بود مطرح میشد که جواب "آری" در این رفراوندوم راه را برای پیشرفت و شکوفایی یونان باز می کند. نظر شما در این باره چیست؟

حمید تقوایی: رای مثبت مردم یونان به معنی تسلیم کامل به ترویکا و تشدید ریاضت کشی اقتصادی و گرانی و بیکاری و فقر و فلاکت بیشتر برای مردم یونان بود. سیاستهای ترویکا نزدیک به یک دهه است در یونان اجرا میشود و وضعیت نه تنها بهبودی پیدا نکرده بلکه به مراتب بدتر شده است. شرایط زندگی برای توده مردم هر روز دشوارتر و فلاکتبار تر شده است بی آنکه هیچ نشانه ای از رونق و شکوفائی و پیشرفت اقتصادی بچشم بخورد. ظاهراً قرار است ریاضت کشی اقتصادی به حل و لااقل تخفیف بحران و برآه افتادن چرخهای سرمایه و افزایش سودآوری سرمایه ها منجر بشود اما در یونان بر عکس بحران هر روز وخیم تر شده است. مردم یونان در یک سطح وسیع و در زندگی روزمره خود این واقعیت را تجربه کرده اند که تنها حاصل سیاست ریاضت کشی وخیم تر شدن اوضاع و فقر و فلاکت هر چه بیشتر است. دقیقاً همین تجربه اجتماعی بود که اجازه داد سیریزا با شعار نه به ریاضت کشی بقدرد برسد و همین گرایش در جامعه است که به رای منفی به بسته جدید اروپای واحد برای تشدید ریاضت کشی منجر

به یاد نادر بکتاش



علی جوادی

دوست دارم در گذشت ناپهنگام نادر بکتاش را یکبار دیگر به خانواده، دوستان، تمامی همزمانش، به تمامی فعالین کمونیسم کارگری، به تمامی کسانی که برای یک دنیای بهتر تلاش میکنند، عمیقاً تسلیت بگویم. فقدان و در گذشت نادر بکتاش یک ضایعه برای جنبش کمونیسم کارگری و جنبش آزادی و راهی انسان است. نادر بکتاش جایگاه قابل توجه و قابل تحسینی در مبارزه برای پیشبرد اهداف اجتماعی جنبش کمونیسم کارگری داشت. زمانیکه بلوک شرق سقوط کرده بود. و خیل عظیم روشنفکران تازه دمکرات شده پرچم تهاجم علیه کمونیسم و برابری طلبی و آزادیخواهی را برافراشته بودند، نادر بکتاش در سنگر کمونیسم کارگری با قلم توانای خود به مقابله با این تهاجم سیاسی پرداخت. از اهداف انسانی کمونیسم کارگری قاطعانه دفاع کرد. از کمونیسم و آزادیخواهی دفاع کرد و مقهور و تسلیم زرادخانه تبلیغاتی سرمایه داری پیروز نشد. نادر بکتاش یک چهره سرشناس کمونیسم کارگری بود. مبارزه فراموش ناشدنی ای در مقابله علیه جنبش ارتجاعی دوم خرداد، علیه اصلاح طلبان حکومتی به پیش برد. زمانیکه تمامی جریانان ملی - اسلامی و بخشهای وسیعی از اپوزیسیون راست و ارتجاعی در زیر چتر ارتجاعی دوم خرداد بسیج شده بودند و تلاشی همه جانبه ای را همگام با جناحی از رژیم اسلامی برای حقه کردن این پروژه ارتجاعی

به جامعه دنبال میکردند، زمانیکه لشکر روشنفکران شرق زده و اسلام زده پرچم دوم خرداد را برافراشته بودند و رسانه ها و دول غربی بلندگوهای خود را در اختیار این جریانان قرار داده بودند، نادر بکتاش در صفوف حزب کمونیست کارگری قاطعانه به جدال با این اردوی مدافعان بی شرم و حیای رژیم اسلامی رفت. زمانیکه این جریانان تلاش میکردند هیولای اسلامی را بزرگ کرده و بخورد جامعه دهند، نادر با بیانی استوار و زمینی در مقابلشان ایستاد. ماهیت ارتجاعی سیاست دوم خرداد را که از زبان چهره های ادبی و سیاسی این جنبش بیان میشد، قاطعانه نقد کرد. نقد تیز و موثر نادر بکتاش در این دوره تاثیر بسزایی در پیشروی جنبش کمونیسم کارگری در این جدال سرنوشت ساز و تاریخی داشت. از این تلاشها، از این مجموعه باید به عنوان یک در افزوده در تاریخ جنبش کمونیسم کارگری در عرصه جدالهای اجتماعی نام برد. ما کمبود نادر بکتاش را در کنارمان احساس میکنم. از دست رفتنش برای تمام ما که در صفوف حزب کمونیست کارگری در کنار هم مبارزه کردیم، یک ضایعه است. جایش همیشه خالی است. یادش همیشه گرامی است!

www.wpiran.org

سایت حزب:

www.rowzane.com

سایت روزنه:

www.newchannel.tv

سایت کانال جدید:

www.anternasional.com

نشریه انترناسیونال:

بحران یونان و جایگاه رفراوند

از صفحه ۳

شروط تروئیکا و سیاست ریاضتکشی نیست، حاکمیت نظامی است که به سیاستهای ضد انسانی نوع تروئیکا نیازمند است. تا آنجا که به رفراوند اخیر مربوط میشود این همه پرسى نه تنها بحران بدهی های یونان را تخفیف نخواهد داد بلکه با توجه به رد شدن شرایط وام دهندگان از جانب مردم، آنرا تشدید نیز خواهد کرد. اکنون یونان در مرز ورشکستگی قرار گرفته و کشورهای اروپائی اولتیماتوم داده اند که اگر دولت سیریزا تا روز یکشنبه آینده طرحی شامل "اصلاحات" مورد نظر آنها ارائه نکند ممکن است از حوزه یورو اخراج بشود. این وضعیت ناشی از رای منفی مردم، و یا حتی بدبینیتی و یا لجبازی مقامات اروپائی در مخالفت با رفراوند و نتیجه آن نیست بلکه در این واقعیت ریشه دارد که حل بحران اقتصادی یونان از دید طبقه سرمایه دار- یعنی حل بحران به معنی بازپرداخت بدهی ها، گردش مجدد چرخهای سرمایه و تضمین قابل رقابت بودن و سوددهی سرمایه ها- بدون تحمیل هر چه بیشتر فقر و فلاکت و شرایط هر چه سخت تر معیشتی به توده کارگران و مردم یونان امکان پذیر نیست. بعبارت دیگر نمیشود هم نظام سرمایه داری را حفظ کرد و هم مساله بیکاری و فقر و فلاکت و بی تأمینی اقتصادی مردم را حل کرد. از این نقطه نظر سیاستهای سیریزا و یا هر دولت و حزب دیگری اگر بخواهد در چارچوب حفظ نظم سرمایه در یونان باقی بماند مشکلی از مردم حل نخواهد کرد.

در مورد قسمت دوم سئوالتان یعنی راه حل بحران یونان نظر من که در همان مقطع انتخاب سیریزا نیز مطرح کردم اینست که باید جنبش ضد ریاضتکشی جاری در یونان را به یک جنبش ضد کاپیتالیستی ارتقا داد. باید این واقعیت را در برابر چشم جامعه قرار داد که از نقطه نظر منافع کارگران و توده و نه درصدهای یونان بحران جاری در این کشور در

کشورهای اروپای واحد قرار ندارند. این صفتی دلخواهی و عوامفریبانه است. قطنندی واقعی عبارتست از تقابل کارگران و توده مردم، توده و نه در صدهای یونان و در کل اروپای واحد، در برابر یک درصدهای حاکم در یونان و در کل اروپا. یک درصدهای بهرهمر دولتها و بانکهای کشوری و فراکشوری. یک جنبه مهم این تقابل، سیاسی است. اروپای واحد میخواهد هر نوع مقاومت و رای مخالف به سیاستهای دیکته شده خود به دولتهای عضو را در هم بشکند. نگرانی و هراس شان از اینست که تجربه یونان - یعنی روی کار آمدن یک دولت چپگرا با اتکا بر جنبش ضد ریاضتکشی - در بقیه اروپا نیز تکرار بشود و بنابراین میخواهند تجربه یونان را به یک شکست آشکار و تحقیر آمیز تبدیل کنند. این هم جنبه دیگری از بحران و کشمکش جاری در اروپای واحد و بر سر مساله یونان است. از هیچ یک از این جنبه ها منافع توده مردم در یونان و در دیگر کشورها اروپای واحد به نحوه پرداخت و یا بازپرداخت وامها بین دولتها و شرایط آن ربطی ندارد. این رای منفی مردم یونان، و نه تن دادن به شرایط تروئیکا و بازپرداخت وامها بر این اساس، است که منافع توده مردم، و یا بقول دولتها "مالیات دهندگان" در اروپا را نیز نمایندگی میکند.

انترناسیونال: آیا سیاستهای سیریزا و مشخصاً رفراوند/ اخیر میتواند بحران یونان را حل کند و یا تخفیفی بدهد؟ به نظر شما برای حل بحران یونان چه باید کرد؟

حمید تقوایی: روشن است که هر اندازه شرط و شروط تروئیکا و سیاستهای ریاضتکشی به عقب رانده بشود به همان نسبت توده مردم در یونان راحت تر نفس خواهند کشید. اما برای حل بحران یونان به نفع توده مردم باید از این سطح فراتر رفت. ریشه دردها و مصائب مردم

به حزب کمونیست کارگری ایران پیوندید

یادداشت‌های هفته

حمید تقوایی

تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی نباید لغو شود!

یکی از آخرین موانع رسیدن به توافق در مذاکرات هسته‌ای مساله تحریم‌های تسلیحاتی سازمان ملل است. جمهوری اسلامی خواستار لغو کامل این تحریم‌ها است و چین و روسیه نیز با این خواست موافق هستند. علت روشن است. اینجا دیگر بحث بر سر پروژه هسته‌ای نیست بلکه قدرت نظامی جمهوری اسلامی در منطقه مطرح است و موضع‌گیری‌ها از سر بلوک‌بندی‌های منطقه‌ای صورت می‌گیرد. دقیقاً به همین علت منافع مردم ایران ایجاب می‌کند که علیه جمهوری اسلامی تحریم‌های تسلیحاتی حتی در سطحی وسیع‌تر از آنچه هست اعمال بشود. مجهز شدن جمهوری اسلامی به تسلیحات و وسائل نظامی از سلاح‌های موشکی و بالستیک گرفته تا توپ و تانک و اسلحه‌های سنتی تنها به تقویت جمهوری اسلامی در سیاست‌های جنگی و تروریستی منطقه‌ایش، از دفاع از رژیم اسد تا اعمال نفوذ و دخالت‌گری نظامی در عراق و یمن و کلاً دامن زدن به جنگ‌های فرقه‌ای و مذهبی در منطقه منجر می‌شود و ازینرو تحت هیچ شرایطی نباید تحریم‌های تسلیحاتی علیه

جمهوری اسلامی لغو شود. ما همیشه خواستار لغو تحریم کالاهایی که زندگی توده مردم را تحت فشار قرار می‌دهد بوده ایم. اما تسلیحات و وسائل نظامی و همچنین وسایل پلیسی و تجهیزات پلیسی و امنیتی، ابزار سرکوب و کشتار مردم ایران و منطقه هستند و نباید در اختیار جمهوری اسلامی قرار بگیرند. تحریم تسلیحاتی جمهوری اسلامی نیز همانند تحریم سیاسی این حکومت خواست برحق مردم آزادیخواه در ایران و در سراسر دنیا است.

"خطر" الگوی یونان بر فراز سر اروپای واحد!

رالف اشتگنر معاون رئیس حزب سوسیال دموکرات آلمان در مصاحبه‌ای با نشریه دی سایت در باره خطر دنباله‌روی دیگر کشورهای بحران زده اروپائی از یونان هشدار می‌دهد و می‌گوید:

"ما باید به تأکید کردن روی سیاست‌های ریاضتی صرف پایان دهیم. کمک‌های مالی اروپا بخصوص بانک‌ها را نجات داده اما به ندرت به انسان‌ها کمک کرده است. اگر اصلاحات به این مفهوم است که انستیتوهای مالی و موسسات اعتبار سنجی رضایت داشته باشند و حقوق بازنشستگی و دستمزد انسان‌ها کاهش پیدا کند و شهروندان شغل خود را از دست دهند این خوب نیست. بخصوص نسل جوان در سراسر اروپا در معرض این تهدید قرار دارند که از دموکراسی رویگردان شوند."

این "خطر" به رای نه‌فرانوم اخیر برای مقامات اروپائی مبهم تر و هشدار دهنده‌تر نیز شده است. اکنون الگو و مسیر یونان رجوع به رای مستقیم مردم در قبال سیاست‌های ریاضتی را نیز شامل می‌شود. امری که در دموکراسی‌های پارلمانی از ایالات متحده تا سایر کشورهای اروپائی و آسیائی و آفریقائی که در دهه اخیر سخت‌ترین سیاست‌های ریاضتی را تصویب کرده و به مردم

گشایش اقتصادی در ایران در گرو چیست؟

امام جمعه‌ها و آیت الله‌های میلیاردی دیگر را افزود تا تصویر درستی از اقتصاد ایران و "گشایش" اقتصادی که قرار است پس از رفع تحریم‌ها اتفاق بیفتد بدست بیاید. این دستگاه چپاول در دوره تحریم‌ها درآمد و ثروتش چندین برابر شد و پس از تحریم‌ها نیز بساط غارت و چپاولش رنگین‌تر خواهد شد. این واقعیات نشان می‌دهد که مساله اقتصاد ایران و فقر و بی‌کار و گرانی و فلاکتی که در جامعه بیداد می‌کند ناشی از تحریم‌ها نیست بلکه ناشی از ماشین نظامی-اقتصادی آدم‌خواری است که جمهوری اسلامی نامیده می‌شود. از نظر توده مردم ایران "گشایش و شکوفائی اقتصادی" تنها با درهم کوبیدن این ماشین غارت و جنایت ممکن است.

خبرگزاری رویترز در مطلبی تحت عنوان "بارف تحریم‌ها سپاه پاسداران ثروتمندتر می‌شود" می‌نویسد:

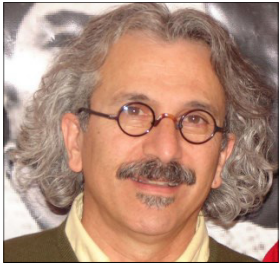
"سپاه در سال‌های اخیر از تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران سود فراوانی برده است و با لغو تحریم‌ها در صورت تحقق یک توافق جامع هسته‌ای وضعیتش بهتر هم خواهد شد."

بموجب این گزارش سپاه کنترل صناعی نظیر تورسم، حمل و نقل، انرژی، راه و ساختمان، مخابرات و ارتباطات و اینترنت را در دست دارد و درآمد سالیانه‌اش مبلغی حدود ۱۰ تا ۱۲ میلیارد دلار است. باید به این اختاپوس نظامی-اقتصادی دار و دسته‌های مافیائی بیت‌امام و بیت‌رفسنجانی و تیول

دور تازه مبارزه برای آزادی فعالین جنبش‌های اعتراضی!

و جنبش برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران و در خارج کشور پاسخ کوبنده‌ای به سیاست‌های سرکوبگرانه حکومت است. هم اکنون نهادهای بین‌المللی نظیر فدراسیون جهانی اتحادیه‌های آموزش و پرورش و انجمن‌های معلمان و سایت کارگری لیبر استارت از مبارزات معلمان در ایران حمایت کرده و خواستار آزادی اسماعیل عبدی و سایر معلمان زندانی شده‌اند. این کارزار جهانی را تقویت کرد و آنرا مورد حمایت قرار داد. این فصل مشترک کارزار برای آزادی کارگران زندانی، جنبش معلمان و مبارزه برای آزادی زندانیان سیاسی در ایران است. با نیروی متحد فعالین این عرصه‌ها می‌توان نبرد جهانی موفق‌تری را در دفاع از نه تنها معلمان بلکه کلیه فعالین و زندانیان سیاسی در ایران سازمان داد و جمهوری اسلامی را به عقب راند.

بنابه گزارش صفحه کارگران در فیس‌بوک با دستگیری اسماعیل عبدی دبیرکل کانون صنفی معلمان ایران، معلمان در تدارک برگزاری یک تجمع بزرگ اعتراضی برای آزادی عبدی و دیگر معلمان زندانی هستند. تشکلهای مختلف کارگری نیز با انتشار بیانیه و فراخوان از خواستهای جنبش معلمان حمایت کرده و خواستار آزادی فوری عبدی و سایر معلمان زندانی شده‌اند. این برآمد جدیدی در جنبش کارگری در اعتراض به بازداشت فعالین جنبشهای اعتراضی و برای آزادی زندانیان سیاسی است. این حرکت و تعرض تازه را باید با تمام توان تقویت کرد و آنرا مورد حمایت قرار داد. جمهوری اسلامی می‌خواهد با دستگیری فعالین جنبشهای اعتراضی این جنبشها را به عقب براند و در هم بکوبد. حرکت متحد و بهم پیوسته نهادها و چهره‌های جنبش کارگری، جنبش معلمان



رژیم اسلامی بر سر دو راهی!

علی جوادی

لحظات به سرعت به زمان پایانی مذاکرات ماراتونی کشورهای ۱+۵ و رژیم اسلامی نزدیک میشوند. آیا رژیم اسلامی جام زهر دیگری را سر خواهد کشید؟ آیا توافقی صورت خواهد گرفت؟ یا باز هم مانند گذشته دور جدیدی از مذاکرات تعریف خواهد شد؟ یا نه؟ سرانجام این مذاکرات شکست خورده و دور جدیدی از کشمکش و تقابل آغاز خواهد شد؟

واقعیت این است که علیرغم ضرورت و مطلوبیتی که دستیابی به یک توافق و بند و بست برای هر کدام از طرفین این تقابل دارد، سرنوشت این مذاکرات کماکان در هاله ای از ابهام قرار دارد. لحظات پایانی، مسائل حل نشده، کماکان میتوانند سرنوشت این مذاکرات را به هر طرفی سوق دهند.

تبعات دوراهی رژیم رژیم اسلامی بر سر دو راهی تعیین کننده ای در حیات خود قرار گرفته است. به هر طرف بچرخد با معضلات و تناقضات خرد کننده ای مواجه خواهد شد.

اگر تن به عقب نشینی و تسلیم ندهند و مذاکرات به شکست کشیده شود، با عواقب خرد کننده ای مواجه خواهد شد. تشدید تحریمهای اقتصادی، افزایش فشارهای سیاسی و دیپلماتیک بین المللی و تشدید احتمال حمله نظامی به مراکز هسته ای متعدد رژیم اسلامی از پی آمدهای سهمگین قرار گرفتن در چنین مسیری خواهد بود. استراتژیستهای رژیم میدانند که در صورت آغاز درگیری نظامی رژیم اسلامی دچار ضربات مهلکی خواهد شد که علیرغم رجزخوانی های سران سپاه و نیروهای نظامی برایشان به شدت ناگوار و غیر قابل پیش بینی است. میدانند که سناریوهای خونین عراق و سوریه و لیبی حال با هر تغییر کمی و کیفی در انتظارشان خواهد بود. پروسه ای که حتی اگر آغاز خونین آن روشن باشد، پایان روشنی برایش قابل تصور نیست. ارتقاء کشمکشها تا

سطح درگیری نظامی آینده سیاهی را برای رژیم و همچنین جامعه بدنبال خواهد داشت.

از طرف دیگر اگر تن به سازش دهند، جام زهر دیگری را سر بکشند، موقعیتشان در قبال جامعه دستخوش تغییرات قابل ملاحظه ای خواهد شد و توازن قوا به نفع جامعه و مردم سرنگونی طلب تغییر خواهد کرد. بدون اینکه الزاما توافقشان با غرب به بقای آنها کمک شایانی بکند. چرا که میدانند که مردم بر خلاف تصورات کودتاه جناح غربی رژیم، جناح اعتدال طلبان و اصلاح طلبان حکومتی، به نقطه سازشی با رژیم دست نخواهند یافت. میدانند که مردمی که برای سرنگونی رژیم اسلامی لحظه شماری میکنند، تسلیم چنین رژیمی حال با هر درجه دوری و نزدیکی با غرب نخواهند شد. برعکس میدانند که مردم معترض جری تر خواهند شد و باید با موجی از اعتراضات کوبنده و مردم پر توقع تر و جری تر مواجه شوند. از طرف دیگر در موقعیتی نیستند که تجربه قتل عام خونین شهریور ۶۷ را پس از سر کشیدن جام زهر توسط خمینی سازمان دادند، تکرار کنند. هر چند که دامنه اعدامها و دستگیری ها را افزایش داده اند، اما کمتر تردیدی دارند که بتوانند آن سناریوی خونینی را تکرار کنند. آن دوران دیگر گذشته است.

این وضعیت خرد کننده در عین حال به جدال جناحهای رژیم اسلامی شدت و دامنه بیشتر و خرد کننده ای بخشیده است. جناح غربی رژیم بر شدت تبلیغات و سیاستهای خود افزوده است. مساله بر سر تعیین تکلیف جناحها است. رفسنجانی از این صحبت میکند که باز شدن سفارت آمریکا غیر ممکن نیست. خامنه ای همزمان خواهان افزایش قابلیت نظامی و موشکی رژیم است. اما خامنه ای بیش از هر زمان دیگری در موقعیت شکننده ای قرار گرفته است. هر دو جناح میدانند که سازشی پایداری برایشان در این شرایط ممکن نیست. جناح غربی رژیم بقای رژیم اسلامی را در بهبود و تغییر مناسبات رژیم

اسلامی با غرب میدانند. بر این تصورند در صورتیکه با غرب به سازش برسند، با توجه به تمایلات پرو غربی جامعه، میتوانند زمینه های سازش و بقای خود را تامین کنند و پروسه استحاله رژیم را خود پرچمداری کنند. از طرف دیگر خامنه ای و جناح راست این تصورات را خیانت به کل پروژه اسلامی قلمداد کرده و در مقابل آن ایستاده اند. هر چند که بطور مقطعی تا هم اکنون به مذاکرات و سازش مستقیم با آمریکا تن داده اند. کشمکشهای جناحی در هر صورت در حال شدت و رسیدن به نقاط حساس و خرد کننده درونی است.

اگر توافقی حاصل شود، جناح غربی رژیم از موضع قدرت در قبال جناح رقیب قد علم خواهد کرد. توافقات حاصل شده زمینه گسترش قوای این جناح را فراهم کرده و بر این موج سوار خواهند شد. اگر شکست بخورند، جناح غربی تلاش خواهد بار شکست را به گردن جناح راست و خامنه ای انداخته و حساب خود را از جناح راست رژیم مجزا کند. رژیم اسلامی از هر سو محاصره شده است. راه پس و پیشی برایش متصور نیست.

اکنون چشموهای بسیاری به نتایج این مذاکرات در وین دوخته شده است. مردم به حق خواهان برداشته شدن و حذف تحریمهای اقتصادی اند. تحریم اقتصادی بمشابه یک سلاح مهلك و کشنده تاثیرات ناگوار بسیاری بر موقعیت و زندگی اقتصادی جامعه داشته است. فقر و فلاکت و محرومیتی که رژیم اسلامی سرمایه در طول حیات سیاهش بر مردم تحمیل کرده است، در این دوره و تحت تاثیر تحریمها افزایش قابل ملاحظه ای یافته است. این یک رکن واقعیت ارزیابی جامعه از این مذاکرات است. از طرف دیگر مردم میدانند که عقب نشینی رژیم اسلامی در قبال کشورهای ۱+۵ نه ناشی از قدرت بلکه ناشی از استیصال و ضعفی است که در آن قرار گرفته اند. و این چراغ سبزی به مردم برای تعرض و تلاش برای عقب

راندن رژیم است.

کمونیسم کارگری و تحریم اقتصادی جنبش ما تاکنون پرچمدار مقابله با این سلاح کشتار اقتصادی بوده است. ما به همان شدت که برای سرنگونی رژیم اسلامی و استقرار آزادی، برابری، حکومت کارگری و یک جمهوری سوسیالیستی که متضمن آزادی و برابری و رفاه همگان است تلاش میکنیم در عین حال برای بر چیدن سیاست ضد انسانی تحریم اقتصادی تلاش کرده ایم. موضع ما در این چهارچوب عمیقاً انسانی و رادیکال است: منصور حکمت در سال ۱۹۹۵ زمانیکه اولین تحریمهای تجاری و اقتصادی علیه رژیم اسلامی اعلام شد، در نوشته کوتاهی در نشریه انترناسیونال جوهر سیاست جنبش ما را اینگونه فورموله کرد:

"این سیاست آمریکا مستقیماً از تاثیراتش بر ثبات و بی ثباتی رژیم اسلامی، باید بعنوان یک اقدام زیانبار برای مردم ایران بدون هیچ ابهامی محکوم شود. وخامت بیشتر اوضاع اقتصادی مردم نتیجه محتوم این سیاست خواهد بود. برخلاف ادعاهای رایج، تحریم تجاری از جانب آمریکا حتی اگر اروپا و ژاپن و سایر قطبهای اقتصادی از آن تبعیت نکنند، تنگناهای واقعی برای اقتصاد ایران ایجاد میکند که قریبانیان فوری آن نه رژیم اسلامی، بلکه توده وسیع مردم کارگر و کم درآمد در ایران خواهند بود."

این تصور که اعمال فشار بر مردم و به استیصال کشیدن آنها گامی در جهت سرنگونی رژیم اسلامی است، تصویری بیمارگونه و ضد اجتماعی است که فقط در چهارچوب تفکر فرقه ای جریانات حاشیه جامعه نظیر مجاهدین می گنجد. و این در شرایطی است که خود آمریکا نه فقط تغییر رژیم، بلکه حتی تغییر

روش داخلی رژیم اسلامی در قبال مردم ایران را جزو اهداف سیاست تحریم تجاری ذکر نکرده است" و در زمینه تاثیر این تحریمها بر موقعیت رژیم اسلامی افزود:

"برخلاف برداشت اغلب مفسران رسانه ها، سیاست تحریم وحدت ضد آمریکایی در درون رژیم را تقویت نمیکند، جناح ضد غربی را در رژیم ایران قدرتمندتر نمیکند، و بر شدت تبلیغات ضد غربی رژیم اسلامی نمی افزاید. این واقعه شهابتی به ماجرای اشغال سفارت ندارد. آن دوران گذشته است. امروز این یک فشار واقعی روی جناح غربی و طرفدار آمریکا در حکومت است که تکلیف خود را هرچه سریعتر و به شیوه ای هرچه چشمگیرتر با جناح مخالف روشن کند. تاثیر این اقدام بر رژیم اسلامی تشدید اصطکاک میان جناحهای حکومت در درون ایران، و جهت گیری جلی تر رژیم اسلامی در عرصه دیپلماسی و سیاست خارجی به سوی کنار آمدن با آمریکا و دول غربی خواهد بود." (منصور حکمت - ژوئن ۱۹۹۵ - تیر ۱۳۷۴)

واقعیات کنونی حقانیت این سیاست حزب ما را بیان میکنند. ما این واقعیات را مبنای فراخوان به جامعه برای پیوستن به اردوی خود، یعنی اردوی آزادی و برابری و رفاه قرار میدهم. و تاکید میکنیم: مستقل از اینکه این مذاکرات به کدام طرف بچرخد، باید برای دور جدیدی از مبارزه برای سرنگونی رژیم اسلامی و برقراری یک نظام آزاد و برابر و انسانی، یک جمهوری سوسیالیستی، آماده شد.



چرا آموزش و پرورش در ایران رایگان نیست؟!

سیامک بهاری



کیفیت فضاهای آموزش و هوشمند کردن کلاسهای درس، استفاده از کامپیوتر و دوربین های مدار بسته، آنلاین کردن کلاسهای درس و امکان نظارت دایمی والدین از چگونگی نحوه پیشبرد آموزش، تغذیه مناسب در مدرسه همه و همه در مدارس انتفاعی و در تفاوت با مدارس دولتی که اساسا به مدارس تخریبی مشهورند، بکار گرفته شد.

به همین منوال مدارس دولتی نیز به سرنوشت مشابهی دچار گردیدند، تبعیض در دسترسی به آموزش در مدارس دولتی با پنج طبقه بندی خاص تحت عناوین، مدارس دولتی عادی، نمونه دولتی، مدارس هیأت امنایی، مدارس شاهد و سمپاد (استعدادهای درخشان) و غیره، بعنوان رقیب در مقابل مدارس به اصطلاح غیر انتفاعی شکل گرفت و دولت با مشارکت با بخش خصوصی همان اندک آموزش غیر خصوصی را هم تکه پاره کرد.

بی توجهی عامدانه حکومت اسلامی به تخصیص بودجه کافی برای آموزش و پرورش بعنوان بزرگترین وزارتخانه که مستقیما سر و کارش با میلیونها دانش آموز و خانواده آنهاست خود را در کسربودجه های نجومی مزمن در آموزش و پرورش نشان میدهد. بطوریکه بنا به اعتراف صریح وزرای آموزش و پرورش، ۹۵ درصد بودجه این وزارت صرفا به پرداخت بدهی کارمندان آموزشی میرسد. که عملا با دستمزدهای چند برابر زیر خط فقر رسمی حقوق بگیر آموزش و پرورش هستند. پنج درصد باقیمانده حتی کفاف تامین آب و برق و سوخت و تعمیر و نگهداری و دیگر مخارج جاری مدارس را نیز نمیدهد.

اما تامین بودجه برای سایر اهداف ابلیز لولزیک آموزش و پرورش مانند نمازخانه ها، حضور آخوندها در مدارس، اردوهای راهیان نور، ترویج صلوات، قرآنی و حفظ قرآن و غیره با مشکلی مواجه نمی شود.

بودجه سرانه آموزشی به ازاء هر دانش آموز، که در بالاترین نرخ، حدود ۲۸ هزار تومان یعنی معادل کمتر از حدود ۹ دلار در سال است نیز عملا شامل معوقات پرداختی میگردد یا بندرت در اختیار برخی مدارس قرار گرفته میگردد. مقایسه این سهمیه تحقیر آمیز با بودجه سرانه آموزشی برای مثال با کشورهای اروپایی و ژاپن، تفاوتی حداقل هزار برابری به بالا را نشان میدهد.

اخذ شهریه راهی برای تامین کسربودجه

اخذ شهریه بعنوان راهی برای شانه خالی کردن دولت از تخصیص بودجه به آموزش و پرورش در اجرای تعهدات خود برای سرپا نگهداشتن امر آموزش صورت واضح بخود میگيرد و مانند هر کالای دیگری تابع نرخ ارزش ریتال و رکود تورمی بازار میگردد. به این معنی که بنابر گرانی اقسام کالاها در بازار، نرخ کالای آموزش به نام شهریه هم افزایش می یابد. درصد این افزایش قیمت را یا آموزش و پرورش خود اعلام می کند و یا بوسیله مدیران در مدارس تعیین میگردد.

وزارت آموزش و پرورش در خصوص اخذ شهریه سیاست رندانه ای دارد. اعلام می کند که مدارس دولتی مجاز به دریافت شهریه از خانواده ها نیستند اما آزا به نام "همیاری مردمی" و یا ترندهای دیگر به خانواده ها تحمیل میکنند و پیش می برد.

برای نمونه: اسفندیار چهاربند مدیرکل آموزش و پرورش استان تهران، در بخشنامه رسمی قیمت شهریه ها در مدارس دولتی را چنین اعلام میداد: "... مدارس سمپاد (استعدادهای درخشان) می توانند در دوره متوسطه و پیش دانشگاهی طبق مصوبه تا سقف ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان شهریه دریافت کنند. دریافت شهریه در مدارس نمونه دولتی و هیأت امنایی هم قانونی است. در حال حاضر مدرسی که غیر از مدارس دولتی عادی شهریه دریافت نکنند غیر متعارف است. شهریه مدارس تیزهوشان در دوره

راهنمایی حدود ۲ میلیون و پانصد هزار تومان است در دوره متوسطه دوم، ۴ میلیون و دویست هزار تومان و دوره پیش دانشگاهی ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است. شهریه در دوره اول متوسطه مدارس درخشان ۲ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، در دوره دوم متوسطه ۴ میلیون و ۲۰۰ هزار تومان و در پیش دانشگاهی ۴ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان است. سپس اعلام میدارد که نرخ افزایش شهریه در سال جاری بین ۱۷ تا ۲۵ درصد است.

نرخ شهریه در مدارس خصوصی که به غلط غیرانتفاعی خوانده میشود حد و مرزی ندارد و تا ۱۷ میلیون تومان نیز گزارش شده است. (قیمتها مربوط به سال تحصیلی ۹۲-۹۳ است)

این در حالی است که "مرضیه گرد" رئیس سازمان مدارس غیردولتی، توسعه مشارکتهای مردمی و خانواده وزارت آموزش و پرورش در مصاحبه با خبرگزاری ایسنا اظهار میدارد: "... به هیچ وجه بحث خصوصی سازی را دنبال نمی کنیم!" و در پاسخ به اینکه آیا خانوادهها باید برای حضور فرزندشان در مدارس دولتی که به بخش خصوصی واگذار می شود شهریه بپردازند؟ عنوان میکند: "خیر، به هیچوجه اجازه نمی دهیم شهریه دریافت شود. اخذ شهریه در برنامه آموزش و پرورش هم نیست."

ضمنا ایشان بعنوان رئیس سازمان مدارس غیر دولتی، درجای دیگری با اعلام اینکه سقف شهریه مدارس غیردولتی مقطع ابتدایی ۵ میلیون تومان است، میگوید: برخی مدارس بیش از این مبلغ را دریافت می کنند که برخورد جدی خواهد شد. در گفتگوی دیگری با خبرگزاری مهر در باره شهریه مدارس غیر دولتی میگوید: "شهریه مدارس غیر دولتی در هر شهری سقف مشخص دارد." "شهریه ها را از طریق اداره کل سازمان ابلاغ خواهیم کرد. مدارس غیر انتفاعی در دوره دبستان نباید بیش از ۵ میلیون تومان شهریه دریافت کنند اما گزارشهای داشته ایم که بیشتر از سقف تعیین شده هم از خانواده ها پول دریافت کرده اند."

گزارش میدانی چندین خبرگزاری از مدرسی در نارمک و فاطمی حاکی از اخذ شهریه از ۵ تا ۹ میلیون تومان در مدارس مقطع ابتدایی است که در آنها شرکت در کلاسهای فوق برنامه اکیدا اجباری است.

ثبت نام در مدارس عادی دولتی نیز

با همین چالش قیمت شهریه روبروست: بنا به گزارش خبرگزاری آرمات: "مادر جوانی که یکی از فرزندان دوقلویی در مدرسه پسرانه در خیابان انقلاب تحصیل می کند، درباره نحوه پرداخت شهریه می گوید: امسال مبلغ ۱۵۰ هزار تومان و برای دخترش که در مدرسه ای دیگر درس می خواند، ۲۰۰ هزار تومان با عنوان کمک مردمی هزینه کرده است. پرداخت شهریه الزامی است اما میزان مبلغ آن بستگی به سطح مالی خانواده ها دارد. برای مثال سقف پرداخت شهریه مبلغ ۳۰۰ هزار تومان بود که برای هر یک از فرزندانم به تناسب توان مالی پرداخت کردم."

هر مدرسه ای مدرسه نیست!

تا اینجا بخوبی روشن است که فاصله گذاریهای عملی و نهادینه کردن تبعیض در آموزش و پرورش يك سیاست استراتژیک حکومتی است. بنابر این سیاست تبعیض آمیز، مدارس براساس توانایی مالی خانواده تقسیم بندی میشود. هر خانواده ای که توانایی پرداخت ارقام نجومی شهریه را دارد و میتواند بیشتر بپردازد از امکانات آموزشی بالاتری برخوردار خواهد شد.

در این زمینه مرضیه گرد معاون وزیر آموزش و پرورش با بی شرمی و وقاحت کم نظیری چنین می گوید: "امسال تلاش کردیم در خرداد ماه شهریه ها را اعلام کنیم و خانواده ها با توجه به سبد مالی شان مدرسه را انتخاب کنند و از سوی دیگر مدیران هم بتوانند برنامه ریزی های لازم را برای آغاز سال تحصیلی انجام دهند. ... مدارس مختلفی اعم از مدارس معارف اسلامی، مدارس خیریه، مدارس عام المنفعه داریم و خانواده هایی که مایل به سرمایه گذاریهای خاص برای فرزندان خود هستند این امر را به مؤسسان مدارس غیر دولتی می سپارند. بنا به درخواست استانها در روستاها و مناطق دور افتاده و صعب العبور برای حضور مؤسسان موفق، فراخوان دادیم تا در صورت تمایل این مدارس را تحت پوشش قرار دهند."

نمونه دیگر: بنا به اعتراف صریح مرتضی رئیس مسیول سازمان نوسازی و تجهیز مدارس، ۵۷ درصد مدارس دولتی در ایران تخریبی هستند. این رقم هولناک را باید به انواع

یک رسوایی دیگر برای جمهوری

اسلامی این بار در کابل

بهم خوردن مضحکه روز قدس در کابل



سیامک بهاری

ایران بازهم سرشان به سنگ خورد.

اعتراض و افشاگرهای جوانان علیه جنایات فاشیستی حکومت اسلامی علیه شهروندان افغان در ایران سبب شد که بسیاری از شرکت کنندگان تصمیم گرفتند صف راهپیمایی را ترک کنند. اما پلیس به افراد شرکت کننده اجازه خروج نمی داد و با خشونت، تهدید و کتک کاری مانع از خروج آنان میشد. پلیس اعلام می کرد که از "سید عیسی حسینی مزاری" دستور دارند تا پایان مراسم به کسی اجازه خروج ندهند.

جوانان و مردم کثیری به مخالفت با حضور جمهوری اسلامی در افغانستان پرداختند و با پاره کردن عکسهای سران جنایتکار جمهوری اسلامی خشم و نفرت خود را با مختل کردن این مضحکه رسوا نشان دادند.

اخبار این اعتراض و بهم خوردن نقشه مزدوران جمهوری اسلامی سرعت در شبکه های اجتماعی منتشر شد و با استقبال وسیعی روبرو گردید و رسوایی بیشتری برای حکومت اسلامی به بار آورد.

اعتراض مردم پلدختر لرستان

به خشک شدن رودخانه کشکان



چرا آموزش و پرورش ...

از صفحه ۷

مدارس نالیمن روستایی، کپری، کانتینی و آغل گوسفندانی که به کلاسهای درس تبدیل شده اند اضافه کرد. این چهره واقعی استاندارد مدارس دولتی در جمهوری اسلامی ایران است. برای خانواده هایی که سبد مالی شان کفاف انتخاب مدارس انتفاعی و پرداخت هزینه های نجومی شهریه و باقی مخارج فوق برنامه را نمیدهد، گودالی به نام مدارس دولتی دهان باز کرده است که بدیهی است چنین مدرسی فاقد ابتدایی ترین و پیش پا افتاده ترین امکانات آموزشی و بهداشتی و ایمنی است. فجایع هولناکی مانند آتش سوزی در مدرسه سفیلان، شین آباد و غیره بخشی از همین بی توجهی عامدانه است.

آموزش رایگان و اجباری حق مسلم ماست!

بهره مند شدن از استاندارد یگانه در دسترسی به آموزش و پرورش برای کلیه احاد جامعه از پایه ای ترین و بدیهی ترین حقوق شهروندی محسوب میشود. جمهوری اسلامی اساسا با حق شهروندی در تضاد است، بنیادهای ارتجاعی ایلی-لوزیشک و هویتی این حکومت بر تبعیض و نابرابری اجتماعی در کلیه عرصه ها استوار است.

اگرچه بصورت ظاهر برطبق اصل سی ام قانون اساسی جمهوری اسلامی، "دولت موظف است وسایل آموزش و پرورش رایگان را برای همه ملت تا پایان دوره متوسطه فراهم سازد و وسایل تحصیلات عالی را تا سر حد خودکفایی کشور به طور رایگان گسترش دهد".

وزارت آموزش و پرورش حتی یک لحظه هم برای اجرایی شدن این بند، برنامه، عزم و تصمیمی نداشته است. در عین حال این بند از قانون اساسی برای اجرا نوشته نشده است. بلکه تنها ارزش مصرف ویتیرینی و نمایی دارد.

اما علیرغم تمامی اینها آموزش رایگان با استانداردی یکسان خواست و مطالبه ای عمیقاً اجتماعی برای میلیونها مردمی است که توسط همین حکومت به زیر خط فقر رانده شده اند.

سالانه صدها هزار کودک و نوجوان بعلت عدم تامین مخارج تحصیلی از چرخه تحصیلی به بازار بیرحم کار پرتاب میشوند. یا اصلا پایشان به مدرسه باز نمیشود. بنا به آمارهای دولتی بالغ بر بیش از هفت میلیون دانش آموز از تحصیل باز مانده اند. تعداد بیسوادان کشور رو به ازدیاد گذاشته است. خیل عظیمی از کودکان در ابعاد میلیونی آواره بیغوله های کار و خیابان گردیده اند. (ان جی او) "جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان"، رقم کودکان کار در ایران را ۱۸ میلیون نفر اعلام کرده است که بی گمان صحت دارد.

تامین آموزش رایگان و اجباری برای نجات میلیونها کودک، مستقیماً بعهده دولت است و باید تمام نهادهای اجرایی ذیربط و دخیل مانند آموزش و پرورش، بهزیستی و شهرداریها پاسخگو باشند. هزینه تحصیل کودکان نباید به وضعیت مالی خانواده گره بخورد، تا فاجعه کودکان کار و خیابان که مبنایی بجز فقر گسترده در جامعه ندارد، پایان یابد. طبعاً جمهوری اسلامی نه تنها برای این امر برنامه ای ندارد، بلکه در جهت مخالف آن تلاش میکند صورت مسیله را بجای حل آن پاک کند. اجرای "طرح پرتو" برای آنچه که خود دولت و قبیحانه "جمع آوری" کودکان کار و خیابان می خواند، در واقع خارج کردن این کودکان از دید و مشاهده علنی جامعه است.

اعتراضات شکل می گیرد

اعتراضات معلمین و خواست تغییرات جدی در نظام آموزشی و تاکید بر خواست آموزش رایگان عملاً نشان میدهد که این جنبش اعتراضی عمیق تر و صدایش رساتر میشود. طی چند ماه گذشته این خواست مداوماً پررنگتر از پیش توسط تجمع های اعتراضی معلمین و خانواده های به ستوه آمده به اشکال مختلف مطرح شده است.

پیشتر از طرح خواسته آموزش رایگان توسط معلمین، خانواده های افغان که کارت اقامت هم دارند در شهرهای تهران و قم در پی سه برابر شدن شهریه مدارس برای ثبت نام دانش آموزان افغان در مدارس دولتی در مقابل نهادهای ذیربط دست به تظاهرات زدند تا دولت رسماً عقب نشست.

رایگان و اجباری کردن آموزش تا

پایان عالی ترین دوره های تحصیلی در ایران کاملاً ممکن و شدنی است. بودجه اینکار فی الحال در دست بیت رهبری و همه اعوان و انصار حکومتی، در جیب حزب الله لبنان و بشار اسد و خیل عظیم آیت الله های میلیاردی و آقازاده های مفت خور، در پروژه های امنیتی و نظامی و تسلیحاتی قرارگاههای ریز و درشت سپاه پاسداران و دم و دستگاہهای امنیتی و نظامی و انتظامی رژیم اسلامی موجود است. کافی است، جیب حضرات را بتکانند تا مخارج تحصیل رایگان و اجباری با بهترین استانداردهای شناخته شده بین المللی برای همه کودکان در ایران بقدر کفایت فراهم گردد.

مطالبه معلمین و مبارزات شهروندان افغان دارد راه نشان میدهد. آموزش رایگان و اجباری بعنوان یک حق و خواست فوری باید به یک جنبش مطالباتی عمومی تبدیل شود و به اشکال مختلف در مبارزات جاری اجتماعی مطرح گردد. پیوستن خانواده ها به صف مبارزات معلمین با خواست آموزش رایگان حق مسلم ماست میتواند کمک جدی به عمومی شدن این طرح شود.

تجمع های اعتراضی شبیه آنچه خانواده های دانش آموزان افغان انجام دادند نیز یک اقدام موثر و جدی است. تحمیل شهریه و طبقه بندی کردن دسترسی به آموزش با ایجاد انواع مدارس با استانداردهای کاملاً طبقاتی شده باید در اعتراضات خانواده ها قرار گیرد و نباید به آن تن داد.

آموزش رایگان و اجباری نقطه پایان به سناریوی گرفتار کردن مردم با آموزش فروشی و دکان و دستکی است که به نام مدارس به اصطلاح غیرانتفاعی ایجاد شده است. همه این مدارس باید بسته شوند. یک استاندارد واحد و عمومی برای کل دانش آموزان کشور در شهر و روستا باید توسط دولت انجام گیرد.

تغییر فضای آموزشی، ایمن کردن محیط آموزش، کوتاه کردن دست مؤسسات امنیتی، نظامی و مذهبی، پایان دادن به جدایی جنسیتی در آموزش و در مدارس و تامین یک وعده غذای گرم و باکیفیت توسط دولت نیز قطعاً روی میز خواسته های جامعه است و باید متحقق شود.



از ما میپرسند: شما خواهان انحلال ارتش هستید. در دنیای پر آشوب کنونی آیا این به معنای بی‌دفاع گذاشتن مردم در مقابل تهاجمات خارجی چه از طرف سایر کشورها و یا از طرف نیروهای نظیر داعش نیست؟

مصطفی صابر پاسخ می دهد:

ببینند و در این کار حرفه ای بشوند. اما باز در اینصورت هم ارتش حرفه ای متشکل از مردم و تحت اختیار مردم بسیار متفاوت از ارتش حرفه ای مافوق مردم است. این اصلاح البته نظر شخصی من است. در هر حال برنامه در همین شکل موجودش نیز به روشنی تاکید بر انحلال ارتش و نیروهای مسلح مافوق مردم و جایگزینی آن با میلپس توده ای و آموزش و شرکت مردم در امر دفاع از جامعه دارد.

نیاز به توضیح زیادی نیست که مردم متشکل، مسلح و حاکم بر سرنوشت خود قویترین نیروی مقابله با هر نیروی متجاوز و ارتجاعی و ضد بشری از جمله داعش است.

امیدواریم وقتی بخش های موثری از مردم جهان بتوانند بر زندگی خود حاکم شوند آنوقت اصولا کل ارتش و سلاح همراه با استثمار و طبقات و دولت و سرمایه داری از چهره زمین پاک گردد.

اما نکته ای که در برنامه ما شاید میتوان تدقیق کرد مساله "ارتش حرفه ای" است. بنظر می رسد که در متن برنامه عبارت ارتش حرفه ای بعضا معادل ارتش مافوق مردم استفاده شده است. در حالیکه میتوان ارتش حرفه ای متشکل از خود مردم و تحت اختیار مردم نیز داشت. این تفکیک از آن لحاظ ضروری است که با پیچیده شدن تکنولوژی لازم است افرادی طی سالها آموزش لازم را

امر الغاء دولت را اجرا کنیم ناگزیریم که قدرت سیاسی را از بورژوازی خلع کنیم و بجای آن حاکمیت مستقیم شوراهای شهروندان که خود هنوز نوعی دولت است را برقرار کنیم.

این جایگزینی ارتش مافوق مردم در برنامه ما به روشنی توضیح داده شده است: "نیروی میلپس شوراهای مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود." بنا براین بحث دستکم هنوز بر سر انحلال ارتش بطور کلی نیست. بحث بر سر انحلال ارتش حرفه ای مافوق مردم یا ارتش طبقه سرمایه دار و جایگزینی آن با میلپس شوراهای مردم است.

و متشکل از خود مردم است. مردمی که بصورت دولت متشکلند و دفاع نظامی از زندگی خود را نیز به دست میگیرند. بعبارت دیگر ما خواهان انحلال ارتش های بورژوازی هستیم. وگرنه میفهمیم که متاسفانه تا مدتهای مدید به نیروی مسلح دفاعی که مقابل هجوم ارتش های بورژوایی و جنبش های ارتجاعی بایستد نیاز هست. موضع ما در قبال ارتش شبیه موضع ما در قبال دولت است. ما نهایتا خواهان الغاء و انحلال دولت به شکلی که میشناسیم هستیم. اما در قدم اول و برای اینکه

میلپس شوراهای مردم، مبتنی بر آموزش نظامی عمومی و شرکت همگانی در وظایف انتظامی و دفاعی، جایگزین ارتش حرفه ای و مافوق مردم میشود. حزب کمونیست کارگری بعلاوه معتقد است که اصول زیر باید در هر حال و تحت هر شرایطی مادام که نیروهای مسلح وجود دارند به اجرا در آیند:

لغو اطاعت بی چون و چرای پائین از بالا در نیروهای مسلح. هر فرد نظامی حق دارد از اجرای دستوراتی که به نظر او با قوانین کشور در تناقض باشد و یا با اصول انسانی و وجدانی وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

هر کس حق دارد از شرکت در جنگ و یا هر فعالیت نظامی که با اصول و اعتقادات وی مغایرت داشته باشد امتناع نماید.

نیروهای انتظامی باید در حین ماموریت و انجام وظیفه اونیفورم نظامی خود را بتن داشته باشند و اسلحه خود را به نحوی حمل کنند که دیده شود. تشکیل نیروی مسلح فاقد اونیفورم و یا انجام ماموریت بعنوان پلیس مسلح در لباس سیویل ممنوع است. این حق هر شهروند است که بتواند از حضور نیروهای انتظامی مسلح در محیط پیرامونی خود (محل کار، زیست، تردد و غیره) مطلع شود.

افراد عضو نیروهای نظامی حق دارند در فعالیت های سیاسی شرکت کنند و در احزاب سیاسی عضو شوند. فعالیت احزاب سیاسی، اتحادیه ها و سایر تشکلات در درون نیروهای نظامی آزاد است.

برای اینکه درک درستی از موضع حزب کمونیست کارگری در قبال انحلال ارتش و فلسفه آن داشته باشیم خواننده را دعوت میکنم به کل بند مربوطه در برنامه "یک دنیای بهتر" دقت کند. (۱) نکته مهم در موضع ما این است که حزب خواهان برجسته شدن ارتش "حرفه ای و مافوق مردم" است. خواهان بی دفاعی نیست. خواهان جایگزینی یک نوع ارتش با نوع دیگری است. خواهان الغاء نوع جدا از مردم، سرکوبگر و مافوق جامعه ارتش، و جایگزینی آن با شکل تحت اختیار جامعه، پاسخگو

(۱) زیر نویس:

متن بند مربوط به انحلال ارتش در برنامه حزب کمونیست کارگری

ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای در جامعه موجود جز دار و دسته های مسلح و اجیر طبقه حاکم نیستند که به هزینه کارگران و مردم زحمتکش برای تحت انقیاد نگاهداشتن خود آنها و نیز پاسداری از منافع اقتصادی و بازار داخلی بورژوازی هر کشور در مقابل دیگری سازماندهی شده اند. علیرغم اینکه طبقه حاکم میکوشد تحت عناوین مختلف ماهیت طبقاتی و مصرف واقعی ارتش خویش را بپوشاند و آن را ارگانی عمومی و عام المنفعه قلمداد نماید، رابطه تنگاتنگ ارتش ها با طبقات حاکمه و نقش آنها در حراست از منافع اربابان جامعه برای توده وسیع مردم، نه فقط در کشورهای آسیایی و آفریقایی و آمریکای لاتینی که نقش سرکوبگر ارتش و پلیس در آنها برجسته تر و علنی تر بوده است، بلکه در اروپا و آمریکای شمالی هم که اسطوره ارتش غیر سیاسی رواج بیشتری داشته است، کاملاً قابل مشاهده است.

حزب کمونیست کارگری مدافع برجیدین ارتش و نیروهای مسلح حرفه ای است.

ارتش و سپاه پاسداران و سایر نیروهای مسلح حرفه ای و نیز کلیه سازمان های نظامی و انتظامی و جاسوسی و اطلاعاتی مخفی باید منحل گردند.

نیروی میلپس شوراهای نیروی

به احکام حبس آنها اعتراض کنیم، نگذاریم صدای نسل جوان ایران سرکوب شود!

شیرین شمس

امروز دو فعال اجتماعی، دو زن جوان ۲۷ و ۲۸ ساله که یکی از آنها با بیماری قلبی و هورمونی دست و پنجه نرم میکند در زندان بسر میبرند.

حکم ۱۲ سال و ۹ ماه برای آنها فرقدانی و ۱۴ سال برای آنها دائمی، نشان از عمق بیرحمی دستگاه قضائی و خشونت این دستگاه علیه فعالین عرصه هاست.

"آتنا فرقدانی" ۲۸ ساله، نقاش و فعال اجتماعی، به دلیل کشیدن طرحی از نمایندگان مجلس اسلامی نه تنها از ادامه تحصیل در مقطع کارشناسی ارشد منع گردید بلکه در خرداد ماه ۱۳۹۴ شعبه ۱۵ دادگاه انقلاب اسلامی، پس از مدتها مبارزه برای حق خود، استقامت و حتی اعتصاب غذا، با سه اتهام «اجتماع و تبانی علیه امنیت ملی»، «فعالیت تبلیغی علیه نظام» و «توهین به علی خامنه ای رهبر جمهوری اسلامی، و نیز توهین به رئیس جمهور حکومت اسلامی، نمایندگان مجلس اسلامی و ماموران بند ۲ الف سپاه پاسداران در حین بازجویی اش» به ۱۲ سال و ۹ ماه حبس محکوم شده است. قبل از

صدور حکم نهایی، آتنا فرقدانی را مقابل چشمان والدینش مورد ضرب و شتم قرار دادند تا زهره چشمی از او و همه فعالین عرصه ها بگیرند. اما این فعال اجتماعی تن به عقب نشینی نداده است.

"آتنا دائمی" ۲۷ ساله، فعال اجتماعی به دلایل گوش دادن به آهنگهای شاهین نجفی خواننده رپ و رادیکال ایرانی، شرکت در تجمعات دفاع از کوبانی در تهران و حمایت از ریحانه جباری - دختری که دفاع از خودش در مقابل تجاوز جنسی محکوم به اعدام شد- در خرداد ۹۴ از سوی شعبه ۲۸ دادگاه انقلاب به ریاست «قاضی مقیسه» به تحمل ۱۴ سال حبس محکوم شده است. آتنا از بیماری هورمونی در عذاب است و در روزهای گذشته به دلیل نگهداری طولانی مدت در زندان انفرادی و شرایط نامناسب حبس،



دچار حمله قلبی شده است. بهداری زندان نظر به انتقال آتنا دائمی به بیمارستان داد و در حالیکه آتنا را به بیمارستان منتقل میکردند، نگذاشتند حتی مادرش او را در آغوش بکشد تا شاید این فشارهای احساسی اینگونه فعالین را وادار به عقب نشینی کند. آتنا را بدون درمان کامل و مناسب به زندان برگرداندند و حتی هزینه های گزاف دارو را هم به عهده خانواده اش گذاشتند.

هر چند که در دادگاه تجدید نظر احتمال کاهش احکام این فعالین اجتماعی تا حدود هفت سال وجود دارد، اما ما باید خواهان پایان دادن به این احکام سنگین و آزادی بی قید و شرط این عزیزان باشیم.

آتناهای زندانی فقط دو نمونه از زنان جوان جامعه ایران هستند که برای دفاع از انسانیت و برقراری جامعه

کارزار برای آزادی اسماعیل عبدی دیبر کانون صنفی معلمان در جریان است

پیتیشن در حمایت از اسماعیل عبدی دیبر کانون صنفی معلمان را امضا کنیم

معلمان در تهران برای ۳۱ تیر فراخوان به تجمع در مقابل مجلس داده اند.

- اتحادیه آزاد کارگران ایران طی بیانیه ای در ۷ تیر دستگیر اسماعیل عبدی را قویا محکوم و خواستار آزادی وی شده است.

- سندیکای شرکت واحد طی بیانیه ای تحت عنوان "مدافعان حقوق آموزگاران را آزاد کنید" خواستار آزادی معلمان زندانی شده.

- سندیکای کارگران فلزکار مکانیک و سندیکای کارگران نقاشان استان البرز طی بیانیه ای در ۹ تیر خواستار آزادی فوری اسماعیل عبدی شدند.

- معلمان میروان در دهم تیر در اعتراض به بازداشت اسماعیل عبدی و در حمایت از او گرد آمدند.

- اتحادیه استادان کالج ها و دانشگاههای بریتانیا برای آزادی فوری اسماعیل عبدی، دیبر کل کانون صنفی معلمان ایران - کارکنان فدراسیون جهانی آموزش بین المللی، در کانادا - Support Canadian EI Affiliates 'IE در حمایت ها ادامه دارد.

به هر شکل که میتوانیم به کارزار جهانی برای آزادی اسماعیل عبدی و معلمان زندانی پیوندیم، پیکت های اعتراضی بگذاریم و با گذاشتن عکس وی و همه معلمان زندانی و کارگران در بند، صدای اعتراض معلمان در سطح جهان باشیم. با سازمانها و نهادهای انسان دوست در هر کجا که هستیم تماس بگیریم و خواستار حمایت آنها از این کارزار بشویم. خصوصا خانواده های دانش آموزان نقش مهمی در تقویت مبارزات معلمان دارند.

خواست افزایش حقوقها به رقمی بالاتر از خط تورم و تحصیل رایگان برای همه، دو خواست مهم معلمان، خواستهای کل جامعه است و به سرنوشت کودکان این جامعه و میلیونها مردمی که با مشکل تحصیل فرزندان شان روبرویند، مربوط است، معلمان را در این اعتراضات وسیعا حمایت کنیم. خواستار آزادی فوری اسماعیل عبدی و همه معلمان زندانی رسول بدایعی، علی اکبر باغانی، علیرضا هاشمی، محمود باقری، عبدالرضا قنبری بشویم.

همه کارگران زندانی، معلمان در بند و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

کارگران زندانی و زندانیان سیاسی باید فوراً آزاد شوند

۱۷ تیر ۱۳۹۴، ۸ ژوئیه ۲۰۱۵

Shahla. Daneshfar2@gmail.com

<http://free-them-now.com>

بر اساس گزارش هایی که ما دریافت کرده ایم، آقای عبدی بدنبال اینکه از سفر او به ارمنستان جهت اخذ ویزای سفر به کانادا ممانعت به عمل آمد، در تاریخ ۲۷ ژوئن زندانی شده است. ما همچنین مطلع شده ایم که گذرنامه آقای عبدی در مرز ضبط شده بود و او را به بازگشت به تهران برای دیدار با دادستانی ارجاع داده بودند. پس از مراجعه به دفتر دادستان او دستگیر شده.

ما از این دیدگاه برخورداریم که بازداشت آقای عبدی و تلاش شما برای جلوگیری از او برای حضور در کنگره جهانی ما نشان دهنده نقض کنوانسیون های مختلف حقوق بشر بین المللی، از جمله میثاقهای حمایت از آزادی بیان و تشکل، و همچنین حق مسافرت، می باشد. ما همچنین از این دیدگاه برخورداریم که با جلوگیری از شرکت نماینده کنگره EI در جلسه هیات حکام ما، شما مانع عملکرد دموکراتیک سازمان بین المللی ما نیز شده اید.

ما از دیبر کل سازمان ملل متحد، مدیر کل سازمان بین المللی کار و مدیر کل یونسکو برای تماس با دولت شما در این مورد درخواست کرده ایم.

در انتها، با در نظر گرفتن اینکه آموزش و پرورش جهانی در صدر دستور کار جامعه بین المللی قرار دارد، هیچ دولتی که مایل به افزایش فرصت های آموزشی برای شهروندان جوان آن باشد، نباید بخواهد از حضور نمایندگان تدریس حرفه ای کشور خود برای شرکت در کنگره چهارساله آموزش بین المللی جلوگیری کند.

ما قویا از شما درخواست می کنیم که آزادی فوری آقای اسماعیل عبدی و تضمین حق او برای سفر به کانادا و حضور در هفتمین کنگره جهانی ما را فراهم کنید.

ازادتمند،

فرد ون لیون

دیبر کل

کارزار حمایت از اسماعیل عبدی:

- به فراخوان کانون صنفی معلمان، در اعتراض به دستگیری اسماعیل عبدی و برای پیگیری خواهشهایشان ساعت ده صبح روز ۳۱ تیر مقابل مجلس اسلامی تجمع خواهد بود.

- کانون صنفی معلمان طی اطلاعیه خواستار آزادی اسماعیل عبدی شده است. برای آزادی عبدی و پیگیری خواهشهایشان

فدراسیون جهانی آموزش بین المللی "خواستار آزادی فوری اسماعیل عبدی، دیبر کل کانون صنفی معلمان ایران شد

بدنبال دستگیر اسماعیل عبدی دیبر کانون صنفی معلمان موحی از اعتراض در میان معلمان بر پا شده است. در این رابطه کارزاری جهانی در جریان است. هدف این کارزار آزادی فوری اسماعیل عبدی و همه معلمان در بند است. در همین راستا فرد ون لیون طی نامه ای خطاب به مقامات ایران ضمن محکوم کردن دستگیری او خواستار آزادی فوری وی از زندان شده است. این نامه بصورت پتیشنی در حمایت از اسماعیل عبدی بر روی سایت لیبر استارت که یک سایت خبری بین المللی کارگری است گذاشته شده است. متن فارسی این نامه ضمیمه است. از همگان دعوت میکنیم که با امضای پتیشن زیر به کارزار برای آزادی اسماعیل عبدی و همه معلمان در بند پیوندند.

http://www.labourstartcampaigns.net/show_campaign.cgi?c=2779

متن فارسی درخواست فدراسیون جهانی "آموزش

بین الملل" در حمایت از اسماعیل عبدی:

درخواست برای آزادی فوری دیبر کل کانون صنفی معلمان ایران، آقای اسماعیل عبدی

من این نامه را به شما از طرف آموزش بین المللی (EI)، فدراسیون جهانی اتحادیه های آموزش و پرورش و انجمن های معلمان، به نمایندگی از بیش از ۳۲ میلیون معلمین و آموزشیاران حرفه ای آموزش و پرورش در ۱۷۰ کشور، می نویسم. ما می خواهیم شما به سرعت آقای اسماعیل عبدی، دیبر کل کانون صنفی معلمان ایران (آی تی تی ۱)، را آزاد کنید.

کانون صنفی معلمان ایران عضو آموزش بین المللی است. ما هفتمین کنگره جهانی خود را در اتاوا، کانادا، از ۲۱ تا ۲۶ جولای برگزار می کنیم. اتحاد برای آموزش و پرورش با کیفیت - آموزش بهتر برای یک دنیای بهتر - تم این کنگره خواهد بود. بیش از ۱۵۰۰ نمایندگان سازمان های عضو آموزش بین المللی آرزوهای حرفه ای خود برای رسیدن به آموزش با کیفیت برای همه افراد جوان در سراسر جهان را مورد بحث قرار خواهند داد. آقای اسماعیل عبدی به عنوان نماینده در کنگره ثبت نام شده است.

به احکام حبس آتنا ها اعتراض کنیم ...

از صفحه ۹

هیچکدام از این فشارها و احکام باعث عقب نشینی جنبش زنان و جوانان ایران نمیشود. آتناها تحت هیچکدام از فشارهای وارده از جانب دستگاه قضایی، مسئولین زندان و دیگر مسئولین امنیتی کوتاه نیامده و عقب نشینی نکرده اند. کما اینکه مصمم تر و قویتر به راه خود برابر دستیابی به جامعه انسانی و آزاد ادامه داده اند.

ما در این موقعیت، اتفاقا باید پیشروی را سرعت دهیم و از هم

سالم و برابر مبارزه کرده اند و تا به حال مقابل سرکوبها، فشارها و شکنجه ها کوتاه نیامده و تسلیم نشده اند. جمهوری اسلامی که بشدت در برابر جنبش زنان و جوانان ایران ناتوان شده و عملا میدان جدال رو در رو را باخته است، سعی میکند تا با حبس و سرکوب فعالین این جنبش ها، زهرچشم بگیرد تا بلکه مانع پیشروی زنان و جوانان ایران شود. اما



انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری

سردبیر: بهروز مهرآبادی

ای میل: anternasional@yahoo.com

انترناسیونال هر هفته روز جمعه منتشر میشود

جنبشی های خودمان دفاع کنیم. آتناهای زندانی، صدای زنان و جوانان ایران هستند که تا دستیابی به حق خود خاموش نمی شوند. در این موقعیت نقش جوانان، زنان، هنرمندان، نقاشان، فعالین اجتماعی، سیاسی، نهادها، احزاب و سازمانهای مدافع حقوق انسانی بسیار تعیین کننده است. در هر کجای دنیا که هستید به دفاع از آتناها پیوندید و به هر طریق ممکن به این احکام سنگین اعتراض کنید. نگذاریم صدای نسل جوان و زنان ایران سرکوب شود!